گزارش خبر
NEWSREPORT
کد خبر: ۴۵۳۰۹۹
یکشنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۰ ۹:۳۷

سقوط کابل برای تهران، تهدیدی جدی است؟!

دیپلمات سابق کشورمان در امور افغانستان گفت: حاکمیت به دست طالبان بیفتد می تواند باعث ناامنی بیشتر و درگیری و جنگ داخلی شود. این امر تاثیر مهاجرتی به ایران دارد چون باعث می شود گروه های بزرگی از مردم افغانستان راهی ایران شوند که هم اقتصاد و هم امنیت ایران را تحت تاثیر خود قرار دهد و عواقب اجتماعی داشته باشد.

مهسا مژدهی: با نزدیک تر شدن گروه طالبان به تصرف کابل نگرانی های کشورهای همسایه در مورد اینده روابطشان با افغانستان در شرایط فعلی، گسترش یافته است.برخی از کاربران افغانستانی در شبکه های اجتماعی نوشته اند که دولتی ها شهرها را به طالبان تقدیم می کنند. برای طالبان تصرف شهرهای اصلی و مهم افغانستان در یک چشم بهم زدن رخ داد و حالا دیگر دولت اشرف غنی از رسمیت افتاده است.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، درگفتگویی با محسن روحی صفت به مسائل افغانستان پرداخته شده است:
سقوط کابل به نظر می رسد که در پیش باشد و حتی برخی می گویند شمارش معکوس شروع شده و می تواند کمتر از یک روز کل شهر به تصرف طالبان در بیاید. این اتفاق برای ایران به عنوان یکی از مهم ترین همسایگان کشور افغانستان چه عواقبی دارد؟
کل موضوع و اصل آن مربوط به مردم افغانستان است که تصمیم بگیرند چه حاکمیتی داشته باشند. برای ما به عنوان همسایه البته این تصمیم یک سری پیامدهایی دارد که می تواند ما را نگران کند. موضوع اینکه چه دولتی در آنجا باشد و حاکمیتی به دست طالبان بیفتد می تواند باعث ناامنی بیشتر و درگیری و جنگ داخلی شود. این امر تاثیر مهاجرتی به ایران دارد چون باعث می شود گروه های بزرگی از مردم افغانستان راهی ایران شوند. این می تواند هم اقتصاد و هم امنیت ایران را تحت تاثیر خود قرار دهد و عواقب اجتماعی داشته باشد. ما در ایران سعی می کردیم که جلو فروپاشی حاکمیت در افغانستان را بگیریم و دو طرف را ترغیب کنیم که با استفاده از روش مسالمت آمیز این مشکلات حل شود. لذا کنفرانس تهران هم برگزار شد.
سرنوشت این کنفرانس که آن همه سر و صدا کرد و البته مخالفانی هم داشت چه خواهد شد؟
این اولین بار بود که دو طرف در مورد مشکلاتشان و موضوعات اساسی به طور صریح و رو در رو صحبت کرده اند. امیدهایی وجود دارد که برای دفعه دوم هم ایران بتواند این گروه ها را بر سر یک میز بنشاند تا به مشکلات اخیر بپردازند. در جاهای دیگری که این گفتگوها برگزار شدند، در واقع راجع به بسیاری از مسائل حرف زده نشد و بیشتر بر سر مسائل حاشیه ای و شیوه کار و دستورالعمل اجرایی مذاکرات بوده و نه در مورد یافتن یک راه.
ما هم نیروهای مرزی را تقویت کرده ایم که مانع حوادث غیر مترقبه شود. اما در هر صورت از نظر اقتصادی هم عواقب زیادی دارد. ما یکی از مهم ترین صادرات هایمان به افغانستان و حدود سه میلیارد دلار بوده است که حتما تحت تاثیر قرار می گیرد. در مرزهای شرقی هم سرمایه گذاری هایی می کردیم که می تواند سرمایه گذاران را تهدید کند و عواقبش برای ما گران تمام شود.
ما تبادلات زیادی با این کشور داریم و مرز طولانی هم داریم در چنین شرایطی طالبان وعده داده که با تهران کار می کند. اما تحلیلگران می گویند نمی شود روی وعده ای که این گروه می دهد حساب کرد. در چنین شرایطی برای ما چه اتفاقی خواهد افتاد؟
همان ارتباطاتی که ما با دولت کابل به صورت مستحکم داشته ایم را سعی خواهیم کرد که ادامه بدهیم. اما اینکه چه دولتی در افغانستان سر کار بیاید چیزی است که مردم این کشور باید برایش تصمیم بگیرند. ما فقط می توانیم توصیه داشته باشیم. ساختار افغانستان چند قومی و چند فرهنگی است و اگر همه اقوام در دولت حضور نداشته باشند ناامنی و ناپایداری یقه دولت ها را خواهد گرفت و مشکلات و درگیری ها شروع می شود. اگر همه اقوام به نسبت جمعیتی که دارند در دولت سهم داشته باشند، شرایط می تواند برای مردم افغانستان بهتر شود و دولت هم از وضعیت بهتری برخوردار شود.
سیاست ما این بوده که هر کسی در افغانستان حکومت می کرده ارتباطاتی داشته ایم. حتی وقتی افغانستان تحت اشغال ارتش سرخ شوروی در آمد یکی از معدود سفارت خانه هایی که در کابل تعطیل نشد سفارت ایران بود.
ما در مرزهای خود طالبان را داریم و به نظر می رسد که گروه های دیگری مانند داعش و... در لباس افراد طالبان با آنها همراه شده باشند. در این وضعیت آیا امنیت مرزهای ما تامین می شود؟
این نگرانی و مشکلات وجود دارد. هم گروه های مخالف و هم داعش ممکن است در لباس طالبان وارد کشور شوند و مشکل ساز باشند. همانطور که خودتان هم گفتید حساب کردن روی قول گروهی مانند طالبان نمی تواند سیاست های دقیق کشور را تعیین کند.
چین پا جلو گذاشته تا اگر طالبان به حکومت رسید آنها را به رسمیت بشناسد. در دهه نود هم اقدامات چراغ خاموشی از این دست وجود داشته. با توجه به این سوابق و اینکه طالبان هم دست دوستی به سمت پکن دراز کرده، ایا می توان انتظار داشت که طالبان با متحدان چین هم از ارتباط خوبی برخوردار شود؟
من فکر نمی کنم که چین به دنبال تایید طالبان باشد. آنها هم مثل ما هستند. اگر طالبان سر کار باشد با آنها کار می کنند. چون همسایه هستند. دو کشور همسایه نمی توانند از هم دور باشند. حتی وقتی ما با عراق می جنگیدیم سفارت ها در دو کشور فعال بودند. چین هم چنین وضعیتی دارد که می گوید اگر اینها در کابل به قدرت رسیدند ما مثل دیگر حکومت ها رفتار خواهیم کرد و آنها را به رسمیت می شناسیم. اما خارج از این موضوع روابطی وجود ندارد.
مساله دیگر مهاجران هستند. احتمالا پناه جویان زیادی راهی ایران خواهند شد. در کشور هم فشارهایی وجود دارد که مرزها باز شوند و مهاجرپذیری اسان تر صورت بگیرد. اما به نظر می رسد تهران به خاطر شرایط اقتصادی خودش به ویژه به دلیل بیماری کرونا در وضعیتی نیست که بتواند میزان زیادی مهاجر تازه را وارد کشور کند. برخلاف ایران بر روی کشورهای دیگر مثل ترکیه فشارهای زیادی برای پذیرش پناهجویان افغان نیست. ایا ایران می تواند این ماجرا را هندل کند؟
ما حتما نیازمند کمک های سازمان های بین المللی هستیم که در این زمینه فعالیت می کنند. برخی کشورها سهمیه هایی در نظر گرفته اند. اما الان ایران چهار میلیون نفر را دارد. ما در حال حاضر در آن شرایط هستیم و روزانه چند هزارنفر وارد مرز های ما می شوند. بنابراین دیگر آن موضوع که

بخواهیم سهمیه محدودی اتخاذ کنیم معنایی ندارد.